



: 10.22034/icrs.2023.189413

نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال پنجم / شماره هیجدهم / زمستان ۱۴۰۲

## نقش عامل جغرافیایی در استمرار تمدنی و جنگ‌های صلیبی بر انقطاع علمی و تمدنی طرابلس

مهدی محمدی<sup>۱</sup> / حسین آشوری<sup>۲</sup>

(۹۰-۱۱۳)

### چکیده

در آستانه جنگ‌های صلیبی طرابلس مرکز حکومت شیعی و دانش دوست بنی عمار بود. این شهر در سال ۵۰۳ به دست صلیبیان افتاد و تا ۱۸۵ سال در اختیار اروپاییان ماند تا اینکه سیف‌الدین قلاوون در سال ۶۸۸ آن را مجدد تسخیر کرده شهر قدیمی را ویران کرد و شهر جدید طرابلس را در نزدیکی آن ساخت. حضور صلیبیان در این منطقه سبب شد تا در روند علمی طرابلس انقطاعی صورت گیرد. هنگامی که این شهر مجدد فتح شد و سلاطین مملوک در آن شروع به ساختن مدارس اهل سنت کردند نواحی شمالی طرابلس پیرو مذاهب مختلفی از تشیع بودند. انقطاع طولانی مدت طرابلس از روند تاریخی اسلامی خود سبب شد تا جریان علمی شیعی آن منقطع شود اما آنچه سبب شد تا طرابلس بعد از جنگ‌های متمادی در دوره جنگ‌های صلیبی و بعد از ویرانی کامل به حیات تمدنی خود ادامه حیات دهد موقعیت جغرافیایی آن بود. این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر جنگ‌های صلیبی بر روند علمی و تمدنی طرابلس از دوره بنی عمار تا فتح مجدد به دست ممالیک است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی است. فرایند تاریخی توصیف شده و بر اساس ارتباط وقایع با جغرافیا امتداد و انقطاع تاریخی تحلیل شده است.

**واژه‌های کلیدی:** طرابلس، جنگ‌های صلیبی، ممالیک، بنی عمار، دارالعلم.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohamadi@abu.ac.ir

۲. دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. hosseinashoori266@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ نوع مقاله: ترویجی

## مقدمه

طرابلس در ابتدای جنگ‌های صلیبی به دست صلیبیان افتاد و تا ۱۸۰ سال (سال خورشیدی ۱۸۵ سال قمری) یکی از مهم‌ترین کنت نشینان صلیبی بود که سواران معبد (Knights Templar) در آن حضور داشتند. در سال ۶۸۸ این شهر توسط سیف‌الدین قلاوون سلطان مصر (حک: ۶۷۸-۶۸۹) به تصرف درآمد. پیش از تصرف شهر به دست صلیبیان، طرابلس یکی از مراکز علمی مهم شیعی بود که از نظر تمدنی نیز جایگاهی ممتاز داشت. این موقعیت تمدنی و مرکزیت علمی پیش از حکومت شیعی بنی عمار با شیعیان امامی رشد کرده بود و در سایه حاکمان امامی مذهب بنی عمار به اوج خود رسیده بود. از این رو تصرف این شهر توسط صلیبیان و حضور طولانی مدت آنها در این شهر در روند علمی شهر که از ابتدای فتوحات اسلامی در آن به وجود آمده بود انقطاعی ایجاد کرد. هنگامی که سلطان مملوک مصر طرابلس را از صلیبیان باز پس گرفت؛ به جهت راهبردهای نظامی و امنیتی دستور داد شهر قدیم را ویران کرده و با کمی فاصله از دریا شهری جدید را بنیان نهند. طرابلس پیش از صلیبیان موقعیت تمدنی ممتازی داشت. زمانی که صلیبیان آن را تصرف کردند شهر مجدد مرکزیت تجاری خود را بازیافت و با وجودی که سلطان مصر آن را ویران کرد، به سرعت شهری جدید جایگزین آن شد که رونق تجاری، علمی و تمدنی آن شگفتی این بطوطه را برانگیخت. این تحولات سبب شده تا این سؤال اصلی به ذهن متبادر شود: جنگ‌های صلیبی چه تأثیری بر روند علمی تمدنی طرابلس داشت؟ و چه عللی باعث استمرار تمدنی طرابلس پیش، حین و پس از صلیبیان بود؟

فرض بر آن است که جنگ‌های صلیبی طرابلس را از روند علمی ادوار پیشین خود گسست و اجازه طی روندی طبیعی را به آن نداد. اما در ساحت تمدنی این شهر توانست با تغییراتی حیات فعال تمدنی خود را ادامه دهد. ویژگی‌های جغرافیایی تأمین‌کننده نیازهای اولیه ایجاد بافت شهری مانند جمعیت و تقسیم‌کار اجتماعی در طرابلس به حدی فراهم بود که این شهر در اثر جنگ‌های صلیبی دچار انقطاع تمدنی نشود. کشتار شیعیان در تصرف این شهر به دست صلیبیان و استمرار طولانی مدت آنها در این شهر سبب شد تا روند علمی شیعی این شهر دچار انقطاع شود. با توسعه تسنن توسط حکومت‌های سنی مبارز با صلیبیان کم‌کم مذهب شام و مصر به مذهب سنی تغییر داده از این رو هنگام فتح مجدد طرابلس به دست مسلمانان این شهر هم از پیشینه تاریخی علمی و مذهبی خود گسسته بود و هم تابع زمینه کلان منطقه شده بود.

برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش مناسب‌ترین روش، روش تاریخی (Historical Method) است. زیرا بر اساس ترتیب زمانی، روند (فرایند proses) علمی و تمدنی این شهر را بررسی می‌کند. (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۳۶ و ۳۷) از آنجایی که فرایند تغییر علمی و تمدنی بازه زمانی طولانی دارد، گاه‌شماری این پژوهش نیز بلندمدت است. منطق این گاه‌شماری، بررسی وضعیت علمی و تمدنی طرابلس، داده‌های تاریخی پیش از فتح طرابلس به دست صلیبیان، حضور صلیبیان در طرابلس و فتح مجدد شهر به دست مسلمانان است. با توجه به گاه‌شماری کلان، جمع‌آوری داده‌ها به صورت کیفی است. تلاش شده از داده‌هایی برای بررسی این تغییر استفاده شود که کمترین میزان جهت‌گیری را داشته و روایتی دست‌اول از شهر را ارائه دهند. از این رو، سفرنامه‌هایی که در این روند زمانی از طرابلس یا مناطق اطراف توصیفاتی ارائه کرده‌اند، بیش از سایر منابع مورد توجه بوده‌اند. هرچند روایت ناصر خسرو گرایش شیعی داشته، روایت ابن جبیر به شدت ضد شیعه است و ابن بطوطه دیدگاهی سنی دارد اما برای دریافت واقعیت تاریخی به ثبت واقعیت‌های مادی در این روایات توجه شده که کمتر در معرض حب و بغض است. در مورد تحول علم-مذهبی طرابلس، به زمینه (Context) کلان منطقه شام و مصر توجه شده است. تا بتوان روند تغییر علمی شهر را در بستر تاریخی کلان منطقه تبیین کرد. در مورد روند تمدنی علل موجهه، مبقیه و سلبیه تاریخی در جغرافیای آن جستجو شده است. در این باره اساس زندگی شهر و الزامات غذایی، جمعیتی و نقدینگی برای ایجاد تمدن در سه دوره قبل حین و بعد از حضور صلیبیان بررسی شده است. طرح تحقیق این مقاله بر اساس این روش بررسی زمینه جغرافیایی به عنوان علل موجهه، مبقیه و سلبیه تاریخی است. سپس برای بررسی روند تغییرات علمی و تمدنی طرابلس به ترتیب به طرابلس قبل از جنگ‌های صلیبی، طرابلس در دست صلیبیان و فتح مجدد طرابلس به دست مسلمانان پرداخته شده است. در بخش‌های دوم و چهارم زمینه‌های (Context) کلان منطقه‌ای در مورد تغییر مذهب بررسی شده است.

در مورد طرابلس در جنگ‌های صلیبی مقالات اندکی نوشته شده است. از آن جمله می‌توان به آثار مودت (۱۳۹۳)، بهار (۱۳۹۳)، تابستان (۱۳۹۳) اشاره کرد. آثار وی محدوده زمانی پیش و ابتدای جنگ‌های صلیبی را شامل می‌شود و بعضاً به خوبی به اوضاع علمی طرابلس پرداخته است. اما این مقالات به طرابلس پیش از تصرف شهر به دست صلیبیان می‌پردازند. شجاعی (۱۳۹۵) ضمن نگاه به تمدن سازی شیعه به طرابلس به عنوان مصداقی کوتاه برای تأیید فرضیه خود پرداخته است. این پژوهش به روند تاریخی و نحوه انقطاع علمی شیعه در طرابلس توجه ندارد. طرابلسی (۲۰۰۷) مشهورترین اثر در زمینه

تشیع در دوره بنی‌عمار را نوشته است که به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. این پژوهش نیز تنها به دوره پیش از صلیبیان می‌پردازد. (طرابلسی، ۱۳۹۰) غالب این آثار که به زبان فارسی منتشر شده‌اند دوره پیش از تسلط صلیبیان را مدنظر داشته‌اند. شنقیطی (۲۰۱۶)، به صورت مستند و تحلیلی به روند تغییر مذهب در شام پرداخته و از طرابلس به عنوان مصداقی برای تأیید فرضیه خود استفاده کرده است. اما با وجود اشاره به نقش صلیبیان در تغییر مذهبی طرابلس، به مسئله علمی شیعه در این شهر و روند تمدنی آن نپرداخته است. عبدالعزیز سالم (۱۹۶۳) کتابی کلی در مورد تاریخ طرابلس و آثار دوره اسلامی آن تألیف کرده که با وجود گذشت بیش از ۵۰ سال از تألیف هنوز حاوی نکات ارزشمندی است. این کتاب از تحلیل فرایندی در تاریخ طرابلس خالی است از این رو این مقاله در روش تحلیل با این کتاب تمایز دارد. تدمری (۱۹۷۳، ۱۹۷۴) از معدود افرادی است که فضای فرهنگی طرابلس با تأکید بر مراکز علمی بررسی کرده است. تفاوت آثار وی با طرابلسی در این است که تمرکز تدمری بیشتر بر طرابلس پس از صلیبیان است. علاوه بر نقد منابع و دقت در تاریخ‌نگاری که ویژگی تدمری است، مصادیق جزئی که وی در کتاب‌های خود آورده از نقاط قوت کار وی محسوب می‌شود. اما نویسنده تحت تأثیر رویکرد مذهبی اهل سنت است و با وجود احترامی که برای بنی‌عمار قائل است تسلط سنیان ممالیک را بر این شهر را با نگاهی مثبت در تاریخ طرابلس تلقی می‌کند. اشتری تفرشی و گودینی (۱۴۰۲) به بخشی از روند تحول مدارس اهل سنت در شام در دوره جنگ‌های صلیبی اشاره کرده‌اند که منحصر به دوره زنگیان بوده و شامل طرابلس نمی‌شود. وجه تمایز این پژوهش با کتاب‌ها و مقالات یادشده در بررسی روند علمی و تمدنی است. هر چند که در این مقاله از دستاوردهای برخی از این آثار استفاده شده است.

مراد از تمدن در این پژوهش مفهوم ابتدایی و نزدیک به لفظ آن یعنی، حیات اجتماعی در ظرف مکانی شهر است. از آن جهت که سیویلیزیشن و حضاره در انگلیسی و عربی همانند تمدن در فارسی دلالت معنایی بر شهرنشینی و یکجانشینی دارند، تمدن مبتنی بر شهر است. یکی از الزامات پیدایش و توسعه محل زندگی یکجانشین از روستا به شهر، جمعیت است که با تخصصی شدن کار، قوانین انتظام بخش برای جامعه شهری وضع می‌کند که اساس تمدن و پیشرفت تمدنی است. با پیش فرض قرار دادن این مفهوم از تمدن، در مورد طرابلس، روند شهری طرابلس مساوی با روند تمدنی آن قلمداد شده است. همچنان‌که شهر با توسعه جمعیت به دلایل اقتصادی رشد جمعیت دارد، رشد فرهنگی و علمی نیز پیدا می‌کند و همچنان‌که با کشتار مردم آن به دست صلیبیان یا ویرانی شهر به دست ممالیک در جمعیت آن تغییراتی به وجود می‌آید، با لحاظ عنصر زمان، در روند تمدنی طرابلس تغییراتی به وجود آمد. از این نظر

هرچند روند علمی غالباً تابع توسعه تمدنی است اما در این پژوهش هم روند شهری و هم روند علمی با شاخص علما ساکن و مدارسی که در شهر ساخته می‌شود سنجیده می‌شود.

### ۱. جغرافیای طرابلس عامل پیوستگی تاریخی تمدنی

طرابلس منابع کافی برای توسعه حیات شهری داشت. این منابع عبارت بودند از منابع غذایی و تجارت که برای افزایش جمعیت، توسعه شهری و در نتیجه تخصصی شدن کار که برای ایجاد فضای شهری ضروری‌اند. سواحل عمیق طرابلس، آن را به بندرگاهی مطلوب تبدیل کرده بود. از این رو از دوران باستان - فنیقی، پارسی، یونانی و رومی - تا دوران اسلامی این شهر با وجود ویرانی‌های متعدد توانست تجارت خود را از سر گیرد. وجود تجارت دائمی، نقدینگی لازم را برای توسعه فضای شهری و در نتیجه ایجاد دستاوردهای مادی فراهم آورد. در دوران اسلامی هرچند شهرهای شرق کوه‌های شام مانند حلب و دمشق درگیر تخصص دول عراق، آناتولی و مصر بارها تخریب شده و به دلیل عدم نقدینگی (Heidemann, 2001: 203, 208) مجبور به مقاطعه سرزمین‌های خود بودند. شهرهای ساحلی شام مانند طرابلس این مشکل را نداشتند. در دوره جنگ‌های صلیبی با وجود ویرانی‌های متعدد، عامل جغرافیایی باعث تداوم تمدنی این شهر بود. در اینجا عامل جغرافیایی در تأمین غذا و نقدینگی برای طرابلس بررسی می‌شود.

### منابع غذایی

طرابلس پیش و پس از ویرانی دوره مملوکی و ساحت شهر جدید، شهری در شبهه جزیره‌ای بر ساحل مدیترانه بود. ناصر خسرو در مورد طرابلس نوشته: «شهر طرابلس چنان ساخته‌اند که سه جانب او با آب دریاست که چون آب دریا موج زند مبلغی بر باروی شهر بر رود چنانکه یکجانب که با خشک دارد کنده‌ای عظیم کرده‌اند و در آهنین محکم بر آن نهاده‌اند.» (ناصر خسرو، ۱۳۹۳: ۱۷) نزدیکی این شهر به کوه‌های شام چند مزیت برای آن داشت. هوای مرطوبی که از جریان‌های آب و هوای اروپایی به شام می‌رسید با رطوبت مدیترانه تقویت شده و در جبهه غربی کوه‌های شام باران‌های زیادی برای طرابلس به ارمغان می‌آورد. از این رو رودخانه‌ای بزرگ به سمت مدیترانه حرکت می‌کرد که از مقابل شبهه جزیره‌ای که طرابلس در آن بنا شده بود می‌گذشت. این رودخانه علاوه بر آب کافی برای کشاورزی طرابلس،

آبرفتی غنی با خود می‌آورد که باعث حاصل خیزی این شهر می‌شد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۰۳/۱، قزوینی، ۱۹۹۸: ۴۰۸) از نظر موقعیت جغرافیایی این شهر در منطقه گرم بنا شده است و همین امر برای رشد سریع و متنوع محصولات کشاورزی بسیار مهم بود (ر.ک. بروسوی، ۱۴۲۷: ۱۶۳) از آنجایی که طرابلس اولین مزیت شکل‌گیری و توسعه شهرنشینی یعنی آب کافی و امکان تولید منابع غذایی کافی را در اختیار داشت، با وجود جنگ‌ها و ویرانی‌ها متعدد در تاریخ قابلیت بازسازی سریع را داشت. از این رو در وهله اول عامل پیوستگی تمدنی برای طرابلس موقعیت جغرافیایی آن بود که امکان توسعه شهری را فراهم می‌کرد. در کنار تولیدات بری، نزدیکی به دریا امکان تغذیه از منابع دریایی را فراهم می‌کرد از این رو با وجودی که منابع به قحطی‌های متعدد شهرهای شرق جبال شام اشاره می‌کنند، به طور طبیعی خبری از قحطی در طرابلس نیست. قحطی در زمان محاصره را نمی‌توان جزو روال طبیعی این شهر قلمداد کرد.

### امنیت و تجارت

از نظر ارتباطی طرابلس بندر طبیعی دمشق محسوب می‌شد، از این رو دول اسلامی طرابلس با دمشق علی‌رغم تفاوت‌های مذهبی ارتباط زیادی داشتند. (ر.ک. ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۷۳/۲۳، مایر، ۱۳۷۱: ۸۹) با این حال میان طرابلس و شهرهای شرق جبال شام دیواری کوهستانی قرار داشت که در مواقع مورد نیاز می‌توانستند با تأسیس و در اختیار گرفتن قلاع راهبردی مانند مرقب (ر.ک. حمادی نجم، ۲۰۰۹) و حصن الاکراد (ر.ک. ابو الفداء، ۲۰۰۷: ۲۹۵) خود را از گزند شهرهای شرقی مصون بدارند. (ر.ک. بروسوی، ۱۴۲۷: ۱۰۵) در عین حال اگر این قلاع راهبردی به دست دشمنان طرابلس می‌افتادند این شهر از سایر سرزمین‌ها جدا شده و در محاصره‌ای جغرافیایی قرار می‌گرفت. امری که با توجه به استراتژی نظامی صلیبیان در دوره بنی‌عمار به شدت به ضرر آنها تمام شد. (France, 2001: 115). برای اطلاع بیشتر از قلاع دوره جنگ‌های صلیبی ر.ک. ولید الجلاذ، ۱۹۸۴) از این رو سلاطین مملوک اعم از الظاهر بیبرس و سیف‌الدین قلاوون برای استیلا بر شهر ابتدا به تصرف و یا تخریب این قلاع پرداختند. (ذهبی، ۱۴۰۶: ۲۲) در سوی دیگر طرابلس دریای مدیترانه واقع است که در ورای نقش تغذیه تأثیر مهمی بر روند تمدنی این شهر داشت.

در نگاه کلی سواحل شام منتهاالیه مسیر تجاری خشکی شرق به غرب بودند از این رو اغلب شهرهای ساحلی شام اهمیت تجاری بسیاری داشتند. این امر برای طرابلس برای بیشتر بود. کشیده شدن خشکی

در دریا که سبب پدید آمدن شبهه جزیره طرابلس شد، محیطی امن برای کشتی‌ها می‌شد که از گزند طوفان‌های دریایی در امان باشند از این رو یعقوبی می‌نویسد: «آنان را لنگرگاه عجیبی است که هزار کشتی را جای می‌دهد» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۰۶) لنگرگاه ممتاز طرابلس و ارتباط نزدیک با شهرهای مهم شام مثل دمشق و ارتباط دریای گسترده با سایر بندرها مدیترانه مانند دمیاط، اسکندریه، قبرس، قسطنطنیه، رودس، سیسیل و بندرها ایتالیا و شبهه جزیره ایبری موجب شد تا این شهر به دست هر حکومتی اعم از مسلمان یا صلیبی باشد، رونق تجاری خود را داشته باشد. اساساً بقا و قدرت کنت نشین طرابلس نیز متکی به این ارتباط دریایی بود (گانسهوف، ۱۳۷۲: ۱۹۱) بنی عمار از طریق این ارتباط دریایی توانستند چندین سال در برابر تهاجم صلیبیان و محاصره خشکی دوام آورند. این تجارت دریایی نقدینگی کافی را برای شهر فراهم می‌کرد. از این رو هنگامی که شهرهای شرق جبال با مشکل نقدینگی برای تأمین نیروی نظامی غیر اقطاعی خود مواجه بوده و مجبور بودند با تضمین غنیمت وفاداری سپاه خود را تأمین کنند، (Heidemann, 2001: 203, 208) دولت‌های طرابلس به راحتی با نقدینگی کافی خود می‌توانستند تجهیزات و نفرات کافی برای جنگ را تأمین کنند. به عنوان نمونه بنی عمار با وجود ضعف نفرات برای مقابله با صلیبیان می‌توانستند با پشتوانه مالی خود حتی از ترکمانان دوردست ارتقی کمک بخواهند (ابن قلانسی، ۱۹۸۵: ۲۵۱) دول مسلمان شام مانند امرای سلجوقی حلب و دمشق این کسر نقدینگی را با مکوس جبران می‌کردند (ر.ک. محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۹) در حالی که این مالیات خود باعث کاهش تجارت مسیرهای بلند تجاری بود. وجود این نقدینگی دائمی در طرابلس سبب شد تا با وجود ویرانی‌های شهر بر اثر جنگ‌ها و ویرانی‌ها، به سرعت بازسازی شده و روند تمدنی خود را با وجود انقطاع تمدنی به سرعت بازیابد. این نقدینگی امکان توسعه شهری با مرکزیت بازارها و در کنار بازار مراکز علمی را فراهم می‌کرد از این رو چه در دوره بنی عمار، چه در دوره صلیبیان و چه در دوره ممالیک، شهر با وجود مصائب و مشکلات متعدد توانست به سرعت به مسیر توسعه تمدنی خود بازگردد. این امر به ویژه در زمان سیف‌الدین قلاوون مشهود است. هنگامی که سلطان مصر دستور ویرانی طرابلس قدیم را به دلایل امنیتی داد، کمی بعد به سرعت به مرکزی مدنی با مدارس و مراکز علمی متعدد تبدیل شد. با پیش فرض ظرف شهر به عنوان اساس تمدن، (ره‌دار و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳) به بعد، 3-4 (Bairoch, 1988) و کارکرد دین در دوره پیشا مدرن به عنوان عامل حقوقی و اخلاقی انتظام تمدنی؛ منابع زیستی - آب و غذای کافی - و ظرفیت تجاری - نقدینگی - طرابلس سبب شد تا این شهر با وجود لطمات سنگین پیوستگی تمدنی خود را حفظ نموده و دچار انقطاع نشود.

## ۲. طرابلس قبل از جنگ‌های صلیبی

روند تمدنی و علمی طرابلس در زمینه کلان شامات باید بررسی شود. زیرا هر شهر اگرچه روند تاریخی خود را دارد اما متأثر از محیطی است که در آن قرار گرفته به خصوص برای شهرهای شام بخش مهمی از روند تمدنی آنها را ارتباطات گسترده تجاری و فرهنگی شکل می‌داد که اساس شکل‌گیری زندگی شهری آنها وابسته به آن بود. (ر.ک. بخش قبلی در مورد تأثیر تجارت و نقدینگی بر شکل‌گیری ساختار شهری) از این رو فهم روند علمی و تمدنی طرابلس به میزان زیادی در زمینه کلان شامات و مصر قابل فهم است.

تاریخ شام در مسئله مذاهب اسلامی روندی یکسان نداشته است و باگذشت زمان هریک از مذاهب اسلامی توانستند در برهه‌ای قدرت را در این منطقه به دست گیرند. در این تغییر مذهبی قدرت سیاسی نقش مهمی داشته است. یاقوت در معجم البلدان به این تغییر در حمص اشاره کرده که این مردم در زمان نبرد صفین، در نبرد با امام علی بسیار جدی بودند اما پس از اتمام آن نبردها به شیعیانی غالی تبدیل شدند که صحابه را دشنام می‌دادند. (حموی بغدادی، ۱۹۹۵: ۳۰۴/۲) هرچند که در ذهنیت تشیع از جهت مصادیق تاریخی متعدد، شام منطقه‌ای سنی مذهب و دشمن اهل بیت پنداشته می‌شود اما باید مدنظر داشت که در ادواری مانند قرون چهارم تا ششم، شیعیان امامی نقش پررنگی در مناسبات سیاسی، اجتماعی و مذهبی شام داشته‌اند. (ر.ک. زمانی محبوب و بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۱: ۹۳ تا ۱۱۰)

حکومت‌های شیعی حمدانیان شام (۳۳۳-۴۰۶ ه.ق.) (باسورث، ۱۳۸۱: ۱۷۶)، مرداسیان (۴۱۵-۴۷۲ ه.ق.) (باسورث، ۱۳۸۱: ۱۴۳)، بنی عقیل (۳۸۶-۴۸۹ ه.ق.) (باسورث، ۱۳۸۱: ۱۸۴)، بنی عمار (۴۶۲-۵۰۲) (مقریزی، ۱۴۱۶: ۳۰۷/۲، طرابلسی، ۱۳۹۰: ۱۷۹) در گسترش تشیع در شام - به خصوص شمال شام و سواحل - نقش مؤثری داشت. از سال ۳۵۸ که فاطمیان بر مصر مسلط شدند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵۹۰/۸) امکان اعمال نفوذ در شام فراهم شد. با این حال عقیده اسماعیلیان نتوانست پیروان زیادی را در شام و حتی در میان رعایای خود در مصر جذب کند. جنوب شام به مرکزیت دمشق نیز مرکزیت اهل سنت بود. در این میان شیعه امامیه نتوانست قبایل عرب فراوانی را در شمال به خصوص قبیله بنی کلاب - بزرگ‌ترین قبیله حلب در زمان حکومت بنی مرداس - به خود جذب نماید. (کاهن، ۱۳۹۲: ۱۰) استمرار حکومت‌های محلی شیعی از قرن چهارم تا قرن ششم حمایت سیاسی از شیعیان را به همراه داشت. هرچند که پس از انقراض دولت‌های شیعی در حکومت زنگیان و ایوبیان



کم و بیش علمای شیعه در شام از اعتبار و قدرت برخوردار بودند. ۱. وضعیت مذهبی شام بر اساس روایت منابع جغرافیایی از قرن پنجم تا قرن هفتم دچار تغییراتی شده بود. از زمان امام علی و فرزندان ایشان، پیروان ایشان در شمال شام حضور داشتند. بعدها نیز هاشمیان در مقاطع مختلف به این شهر وارد شدند. إسحاق بن حسین منجم در اواخر قرن چهارم از خانه‌های هاشمیان در حلب یاد می‌کند. (منجم، ۱۴۰۸: ۵۹) در روایت معجم البلدان از رساله ابن بطلان در دوره بنی مرداس فقیهان شهر به مذهب امامیه فتوا می‌دادند. (حموی بغدادی، ۱۳۸۰: ۲/۲۰۹) اما قزوینی متوفی ۶۸۲ ه. ق می‌نویسد که مردم حلب سنی و شیعه بودند. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۱۸۳) مذهب مرداسیان امامی بود و در ادوار بعد مانند زمان سلجوقیان هم قضاات سنی و هم قضاات شیعی در حلب حضور دارند. مانند مصادیق شهر حلب مصادیق متعددی در مورد تشیع امامیه در شام وجود دارد که از مجموع آنها جمعیت غالب شیعه در سواحل و شمال شام حاصل می‌شود.

مهم‌ترین منابع در مورد طرابلس و وضعیت مذهبی شامات در بازه پیش از صلیبیان، تسلط صلیبیان بر طرابلس و پس از فتح طرابلس به دست ممالیک مربوط به سفرنامه‌هایی است که در این زمان‌ها نوشته شده است. خوشبختانه از نظر دسترسی به این منابع سه سفرنامه معتبر در این بازه زمانی در اختیار است که علی‌رغم گرایش‌ها مذهبی متفاوتشان، تصویری زنده از وضعیت مذهبی طرابلس و شام ارائه می‌دهند. اولین آنها سفرنامه ناصر خسرو است. وی در سال ۴۳۸ به طرابلس وارد شد. ناصر خسرو هم از نظر تمدنی و هم از نظر وضعیت مذهبی توصیفی دقیق ارائه می‌دهد. وی می‌نویسد: «مردم این شهر همه شیعه باشند، و شیعه بهر بلاد مساجد نیکو ساخته‌اند» بازدید ناصر خسرو از طرابلس پیش از تسلط بنی عمار در سال ۴۶۳ بر طرابلس است. در آن زمان این شهر "پایگاه دوم شیعیان دوازده‌امامی بعد از دولت حمدانی‌ها" بود. (حماده، بی تا: ۲۱۸) در همان زمان نیز جهانگرد شیعه به تولیدات متنوع کشاورزی ۲ (ناصر خسرو، ۱۳۹۳: ۱۷) و نقدینگی ناشی از تجارت اشاره می‌کند. ۳ (ناصر خسرو، ۱۳۹۳: ۱۸) آثار تمدنی در آن زمان ناصر خسرو را به شدت به خود جلب کرده و از تراکم جمعیت و دستاوردهای

۱. در کتاب اعیان الشیعه ذکر شده در اواخر قرن ششم کشتار فراگیری از شیعیان در حلب انجام شد و شیعیان در نواحی اطراف آن پراکنده شدند و یک نفر از آنها در حلب نماند. (امین، ۱۴۰۳: ۳۰/۱)

۲. حوالی شهر همه کشاورزی و بساتین و اشجار بود و نیشکر بسیار بود و درختان نارنج و ترنج و موز و لیمو و خرما و شیره نیشکر در آن وقت می‌گرفتند.

۳. آنجا که کشتیهای که از اطراف روم و فرنگ و اندلس و مغرب بیاید عشر بسطان دهند، و ارازا لشکر از آن، باشد

مادی و صنعتی آنها به خوبی یاد می‌کند. (ناصرخسرو، ۱۳۹۳: ۱۸) این ویژگی تمدنی و علمی در زمان بنی‌عمار پیشرفت بیشتری داشت.

قاضی «ابوطالب بن عمار» یکی از قضات دولت فاطمی، بنیان‌گذار حکومت این خاندان دوازده‌امامی [بنی‌عمار] بود. وی بعد از وفات «ابن بزّال» حاکم طرابلس در سال ۴۶۳ ق/۱۰۷۱ م این شهر را از سلطه حکومت مرکزی قاهره مستقل کرد. (نویری، ۱۴۲۱: ۵۱/۳۱) قاضی «ابوطالب بن عمار» اندکی بعد از دنیا رفت و «جلال الملک بن عمار» برادرزاده‌ی وی، جانشین او شد. (نویری، ۱۴۲۱: ۵۱/۳۱) وی موقعیت طرابلس را تغییر داد و آن را به یک مرکز تجاری و فرهنگی شکوفا تبدیل کرد. تأسیس کتابخانه طرابلس با بیش از یک میلیون کتاب یا بیشتر - بنا بر تخمین برخی از مورخان (حماده، بی تا: ۲۸۹) یکی از مهم‌ترین آثار ماندگار «جلال الملک» بود. حکومت «جلال الملک بن عمار» بر طرابلس، ۲۸ سال طول کشید و این شهر طی این مدت به شکوفاترین سرزمین شام از نظر اقتصادی و علمی تبدیل شد.

فخر الملک أبو علیّ ابن عمار با حفر نهری از رود قادیشا (کادیشا) که از مقابل طرابلس می‌گذشت توانست زراعت شهر را توسعه داده و از ویرانی‌های این رود در زمان طغیان جلوگیری کند. (طرابلسی، ۲۰۰۷: ۱۵۰) توسعه تجارت در دوره فخرالملک در کنار توسعه کشاورزی نقدینگی زیادی برای شهر به همراه آورد و این امر سبب شد تا بتواند حدود یک دهه در برابر صلیبیان مقاومت نماید. گزارش‌ها این اثر در بذل اموال - به‌ویژه سکه - از سوی فخر الملک دلالت بر کثرت تجمع ثروت در این شهر دارد که توان مقابله با صلیبیان را از طریق تقویت نیروهای داخلی و به‌استخدام درآوردن نیروهای خارجی داشت. (ر.ک. محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۵) این تجمع ثروت و توسعه کشاورزی در زمان بنی‌عمار سبب پدید آمدن دارالعلم منحصر به فرد طرابلس شد. هرچند که بنی‌عمار پیرو مذهب امامیه بودند اما رواداری مذهبی آنها سبب شد تا دارالعلم آنها پذیرای علمای اهل سنت باشد. در سال ۴۷۵ سلیمان قتلش انظرطوس را فتح کرد و از فخر الملک بن عمار خواست تا قاضی و خطیبی برای او بفرستد. (تغری بردی، بیتا: ۱۱۵/۵) با توجه به مذهب حنفی سلاجقه، به دنبال قاضی حنفی بودند.

طرابلس در اوج تمدن و توسعه علمی خود با جنگجویان صلیبی مواجه شد. از ابتدای حمله صلیبیان طرابلس همچون شهرهای ساحلی دیگر تهدید صلیبیان را درک نمود. اما همچون سایر شهرهای مسلمان شام در ابتدا تلاشی جدی برای مقابله با صلیبیان انجام نداد. به نظر می‌رسد مسلمانان در ابتدای جنگ‌های صلیبی درک درستی از قوای صلیبی نداشتند. امیر طرابلس در ابتدا سپاه صلیبی را با

اموال و راهنمایاری کرد تا مرزهای خود را از گزند آنها مصون دارد. (صوری، ۱۳۹۳: ۳۲۳/۱) با این حال اندکی بعد با آگاهی صلیبیان از ثروت این شهر و موقعیت راهبردی آن طرابلس به یکی از اهداف آنها تبدیل شد. (رانسیمان، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۷/۲) تمایل به تصرف طرابلس در سال ۵۰۲/۱۱۰۹ به واقعیت پیوست و بالدوین با کمک نیروی دریایی جنوایی و محاصره همه جانبه از خشکی توانست شهر را تصرف کند. بر اساس توافق میان مدافعان و بالدوین به مردم شهر امان داده شد اما دریانوردان جنوایی هنگامی که دست خود را از غارت شهر خالی دیدند بر مردم شهر تاخته و به گزارش شارتتری «پس سواران... از دیوارها بالا رفته و وارد شهر شدند و به هر شرقی که می‌رسیدند سر او را می‌بریدند.» (شارتتری، ۱۳۹۳: ۱۲۶) هرچند که فخر الملک تا آخرین لحظه از تلاش برای حفظ شهر بازماند (ابن قلانسی، ۱۹۸۵: ۲۵۰) اما سرانجام این شهر به دست صلیبیان افتاد. هرچند مورخ فرانسوی، فوشیه شارتتری، به صورت موجز به کشتار مسلمانان اشاره می‌کند اما گزارش مورخ معاصر دمشق، ابن قلانسی جزئیات بیشتری از لطمات صلیبیان به طرابلس دارد:

«فرنگیان عرصه جنگ را بر مردم تنگ کردند و بر برج‌ها حمله بردند و بازور شهر را تملک کرده و هر چه در آن بود را غارت کرده مردان را اسیر کردند و زنان و کودکان را به بردگی بردند و هر چه توانستند از کالاها و ذخایر و دفترهای دارالعلم برگرفتند و آنچه در خزائن شهر بود قابل‌شمارش نبود...» (ابن قلانسی، ۱۹۸۵: ۲۶۲) بر اساس گزارش ابن قلانسی تنها بخشی از سپاه طرابلس و والی آن که با بالدوین توافق کرده بودند توانستند جان سالم به در برده و خود را به دمشق برسانند. (ابن قلانسی، ۱۹۸۵: ۲۶۲) تسلط صلیبیان بر طرابلس ویران‌کننده بود. بسیاری از آثار علمی این شهر ویران شد. با این حال مسئله‌ای که بیشتر بر انقطاع تاریخی در روند تمدنی و علمی این شهر تأثیر داشت، سلطه ۱۸۵ ساله صلیبیان بر آن بود.

### ۳. طرابلس در دست صلیبیان

غارت طرابلس به دست صلیبیان با کشتار وسیع و تخریب همراه بود. بخش مهمی از خزائن علمی طرابلس در این تصرف از بین رفته (ر.ک. ابن تغری بردی، بی تا: ۱۸۰/۵) و بخش اندکی از آنها به دست صلیبیان افتاد و در روند انتقال علوم به غرب به لاتین ترجمه شد. مردم شیعه این شهر نیز به نواحی اطراف خصوصاً شهرهای شرق کوه‌های شام مهاجرت کردند از آنجایی که طرابلس از نظر جغرافیایی بندر طبیعی دمشق بود و تعاملات فعالی میان دمشق و طرابلس خصوصاً پس از ورود صلیبیان وجود داشت.

بسیاری از مردم این شهر به دمشق مهاجرت کردند. (ابن قلانسی، ۱۹۸۵: ۲۶۴) دمشق در این زمان برخلاف حلب و نواحی کوهستانی لبنان دارای اکثریت سنی مذهب بود. با روند تغییر مذهب در شام از زمان اتابکان زنگی به بعد دمشق به پایگاه اصلی اهل سنت در شام تبدیل شد. هرچند در این بازه زمانی میان امامیه و اهل سنت در شام خصومت و درگیری در منابع گزارشی در دست نیست اما این مهاجرت اجباری به مرکز اصلی اهل سنت در شام سبب شد تا متمرکزترین مرکز شیعیان امامی در شام متلاشی شده و در روند علمی و مذهبی آن انقطاع کامل صورت گیرد. مهاجرت شیعیان به مرکز سنی نشین دمشق، تحولاتی در این شهر ایجاد کرد. با توجه به سنی بودن غالب مردم دمشق در دوره آل بوری، ورود جمعیت زیادی از امامیه نسبت جمعیتی این شهر را تغییر داد. ابن جبیر که معاصر صلاح‌الدین ایوبی است در مورد شیعیان شام - در متن شیعیان دمشق - نوشته:

«شیعیان را در این سرزمین اموری است شگفت و به شمار بیش از سنیان اند و در سراسر این دیار را با مذاهب گوناگون خود انباشته‌اند. فرقه‌های آنها شامل رافضیان است که سبابان باشند و امامیان و زیدیان که به‌ویژه قائل به تفضیل زید بن حسن هستند. و اسماعیلیان و نصیریان که کافرند....» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۴۱)

با توجه به اینکه برخی از مردم طرابلس که در سال ۵۰۲ ق/ ۱۱۰۹ م از نسل‌کشی صلیبی‌ها جان سالم به در بردند؛ به دمشق آواره شدند، این موضوع می‌تواند زیادی شیعه را در دمشق به هنگام بازدید ابن جبیر از این شهر بعد از گذشت هفت دهه از سقوط طرابلس یعنی در سال ۵۸۰ ق/ ۱۱۸۴ م تفسیر کند. از متن «ابن جبیر» مشخص نیست که قصد وی از آن سرزمینی که شیعیان با مذاهب خود آن را پرکرده‌اند؛ منحصرأً شهر دمشق است؟ یا سرتاسر سرزمین شام؟ اما ظاهر سخن وی بیانگر شمول و تعمیم است که با اتکا به سخن مورخان دیگر، همه شام را شامل می‌شود.

با این حال مدنیت طرابلس در تصرف صلیبیان از میان نرفت. چندان‌که شارتری به‌صراحت بیان می‌کند تجار ایتالیایی - جنوایی - در غارت شهر نقش عمده را داشتند. هرچند مورخان جدید در شدت انگیزه‌های اقتصادی زائران صلیبی تردیدهای جدی روا داشته غالب انگیزه‌ها را در علائق دینی جستجو کرده‌اند (ر.ک. ریلی اسمیت، ۱۳۹۲: ۴۱) اما نمی‌توان برای تجار ایتالیایی انگیزه اقتصادی را ضعیف دانست. رقابت تجاری با قسطنطنیه (پایتخت دولت بیزانس در بغاز سفر) یکی از انگیزه‌های اصلی تجار ایتالیایی بود. (گانسهوف، ۱۳۷۲: ۱۹۳) با تصرف سواحل شام به‌خصوص طرابلس، عکا، صور و صیدا، امکان توسعه تجاری زیادی برای تجار ونیزی و جنوایی فراهم شد تا بتوانند با قدرت اقتصادی

بیزانس در شرق مدیترانه رقابت نماند. این انگیزه اقتصادی و عوایدی که متعاقباً از سواحل شرقی مدیترانه عاید ایتالیایی‌ها شد، خود عامل حفظ حیات تمدنی شهرهای ساحلی به‌خصوص طرابلس بود. بعد از تصرف طرابلس به دست صلیبیان ابن جبیر به شهرهای ساحلی شام - عکا و صور - سفرکرده و گزارش منحصربه‌فرد و زنده‌ای از رونق تجاری سواحل شام ارائه می‌دهد که با کمی تعمیم در مورد طرابلس نیز صدق می‌کند. این تجارت فقط میان صلیبیان و تجار ونیزی، جنوایی، بیزانسی و سیسیلی نبود. مسلمانان در طول جنگ‌های صلیبی روابط تجاری نسبتاً پایدار و فعالی با مناطق ساحلی صلیبی داشتند. (علی محمود، ۱۹۹۶: ۱۱۳) ابن جبیر مشاهدات خود را این‌گونه می‌نویسد: «کاروان‌های بزرگ مسلمانان برای تجارت وارد شهرهای صلیبی شده و از سوی دیگر کالاها و برده‌های صلیبی را به سرزمین‌های اسلامی می‌آوردند.» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۶۲) در جای دیگر وی از دو تن از تجار دمشق نام می‌برد که با کاروان‌های بزرگ و کالاهای فراوان در شهرهای صلیبی و مسلمان رفت‌وآمد می‌کنند و نزد مسلمانان و صلیبیان احترام زیادی دارند. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۷۵) این تجارت فعال علاوه بر ارزش‌افزوده تجاری، مالیات گمرکی سرشاری به همراه داشت که انگیزه اصلی مرآوده با مسلمانان بود. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۶۶) از این‌رو برای حفظ تجارت صلیبیان رابطه‌ای دوستانه با بازرگانان مسلمان داشتند. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۶۸) تجارت همچون ادوار قبل نقدینگی کافی برای حفظ روند تمدنی طرابلس فراهم کرد. هرچند که در زمان صلیبیان از دوران شکوفایی علمی زمان بنی‌عمار خبری نیست. تعاملات تجاری سبب تعامل فرهنگی میان مسلمانان و صلیبیان نیز شد. انگیزه اقتصادی یکی از دلایل مهمی بود که اروپاییان زبان و خط عربی را بیاموزند. (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۶۷) یادگیری زبان عربی بعداً زمینه‌های فرهنگی و حتی تبلیغی را برای صلیبیان ایجاد کرد.

موقعیت دفاعی طرابلس سبب شد تا این شهر ۱۸۵ سال قمری و ۱۸۰ سال میلادی بتواند در برابر مسلمانان مقاومت نماید. صلیبیان با توسعه راهبرد نظامی خود متکی بر قلاعی که فرقه‌های نظامی شوالیه معبد (Knights Templar) و میهمان‌نواز (Knights Hospitaller) در آنها سکونت داشتند (ر.ک. بالار، ۱۳۹۲: ۹۱-۹۵) از سوی کوهستان امنیت طرابلس را تأمین می‌کردند. (France, 2001: 84) نیروی دریایی اروپایی نیز که دائم میان شام و اروپا در تردد بود در برابر تهاجم دریایی مسلمانان از این شهر حفاظت می‌کرد. از این‌رو هرچند بیت‌المقدس پس از اتحاد شام و مصر در اواخر زنگیان و دوره صلاح‌الدین به سرعت سقوط کرد و عسقلان چندین بار دست‌به‌دست گشت. اما طرابلس همچنان توانست در برابر مسلمانان مقاومت نماید. تا زمانی که هم شور صلیبی‌گری در میان اروپاییان

کاهش یافته و هم سلاطین مملوک در مصر به قدرت رسیدند. در دوره تسلط صلیبیان بر طرابلس اطلاعات اندکی از وضعیت علمی این شهر خصوصاً وضعیت علوم اسلامی و ارتباط دانشمندان مسلمانان با صلیبیان در دست است. از این رو با مراجعه به منابع صلیبی در این زمینه می‌توان داده‌های اندکی از ارتباط‌های غیرعلمی مسلمانان با صلیبیان کسب کرد.

#### ۴. فتح مجدد طرابلس به دست مسلمانان

با تصرف طرابلس در سال ۶۸۸ به دست سلاطین مملوک، این شهر ویران شد و شهری جدید در سمت خشکی ساخته شد. مزایای جغرافیایی شهر مانند آب‌و‌خاک مناسب و تجارت دریایی سبب شد تا روند تمدنی شهر همچنان ادامه یابد. مظاهر تمدنی مانند جمعیت و نهادهای اجتماعی پیچیده در اندک زمانی ایجاد شدند. متناسب با این وضعیت تمدنی مدارس علمی دوباره - نه با شکوفایی دوره بنی‌عمار - در این شهر پدید آمد. با این حال در روند علمی این شهر انقطاعی صورت گرفت. طرابلس دارالعلم امامیان بنی‌عمار، به دست ممالیک ویران شده و هدفمند شهری جدید به دست سنیان پایه‌گذاری شد. مدارس جدید مبلغ مذاهب اهل سنت بودند. از این رو در روند علمی طرابلس در جنگ‌های صلیبی دو انقطاع وجود داشت: ۱. انقطاع ناشی از تصرف شهر به دست صلیبیان ۲. انقطاع ناشی از ویرانی و ساخت قصدمند شهر توسط سلاطین سنی مصر.

#### انقطاع علمی شیعه در طرابلس

پیش از ورود صلیبیان به شام، غالب جمعیت این منطقه را فرقه‌های گوناگون شیعه تشکیل می‌داد. چند دهه پیش از ورود صلیبیان سلاجقه سنی توانستند شام را تصرف نموده و تلاشی جدی نمودند تا با خلافت فاطمی مبارزه نمایند. از آنجایی که امامیه در آن زمان روابط خوبی با فاطمیان نداشت، سلجوقیان به امامیان به چشم متحدی در برابر دشمن مصری نگاه می‌کرد و این امر باعث استمرار حیاط شیعیان در دوره سلجوقی در شام شد. اما باید توجه داشت که شیعیان در این زمان دیگر حکومت‌های شیعی به‌عنوان مدافع خود ندارند. آخرین حکومت شیعی شمال شام عقیلیان بود که تسلیم سلجوقیان شد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۱۳) سلجوقیان به همان سرعتی که شام را متصرف شده بودند پس از ملک‌شاه به دولت‌هایی کوچک در شام تبدیل شدند. (ر.ک. خاکرند و محمدی قناتغستانی، ۱۳۹۵: ۷-۷)

۳۴) از این رو نتوانستند در برابر صلیبیان مقاومتی نشان دهند. دولت بنی عمار در طرابلس نیز چند بعد از ورود صلیبیان از میان رفت. بدین ترتیب شیعیان به خصوص شیعیان امامی مدافعی سیاسی نداشتند. با شدت گیری تهاجمات صلیبیان به شام در ابتدای تشکیل کنت نشین های شمالی - رها و انطاکیه - حلب، مرکز شیعیان امامی شام، به شدت در تنگنا قرار گرفت. از این رو متوسل به هر قدرت مسلمانی شد تا بتواند امنیت را برای آنها به ارمغان آورد. (محمدی، ۱۴۰۱: ۱۴۱) از این رو قضات شیعه حلب بدون در نظر گرفتن تفاوت های مذهبی دست به دامان حکام سنی شدند. (Mohamadi&other,2023: 64) این ناامنی تا به قدرت رسیدن حکومت سنی اتابکان زنگی ادامه داشت. زنگیان مدت طولانی بر شام با مرکزیت حلب حکومت کردند. راه آورد این تأمین امنیت همراهی شیعیان با آنها در هر شرایطی بود. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۵۱۱/۲) اما تثبیت قدرت زنگیان سنی و در پی آنها ایوبیان سنی و پس از آنها ممالیک سنی، تدریجاً باعث تضعیف تشیع در شام شد. راجر شاناهان یکی از اولین کسانی است که به این نکته اشاره کرده است:

«آمدن صلیبی ها به وجود گسترده شیعه در شام پایان داد زیرا هیچ دلیلی بر این وجود ندارد که مثلاً بنی عمار تمام نفوذ خود را در منطقه بعد از سقوط طرابلس، باز پس گرفته باشند. ضرر و زیان های [وارد شده به] شیعه به دست صلیبی ها و فرماندهی مسلمانان سنی در مبارزه با صلیبی ها و اخراج آنان، موجب فروپاشی قدرت و نفوذ تشیع شد.» (Shanahan,2005: 5)

برخی مورخان شیعه معتقدند که جنگ های صلیبی موجب توقف رشد قدرت روزافزون شیعه در شام شد و اگر این توقف نبود، تاریخ شیعه، روند و جریان دیگری داشت. مصداق تاریخی آنها در این باره شکوفایی و توسعه ای است که امارت طرابلس در سایه حکومت شیعی بنی عمار پیش از یورش اروپایی ها و اشغال داشت. جعفر المهاجر چنین تحلیلی دارد. او معتقد است: «اگر گسست تاریخی ناشی از حمله صلیبی ها به شام و پیامدهای آن نبود، تحول و پیشرفت اوضاع شیعه در شام به اوج طبیعی خود مارسید» (المهاجر، ۱۴۱۳: ۱۶) با توجه به زمینه های تاریخی معاصر سقوط طرابلس و پس از آن نمی توان این نظر را پذیرفت. وجود حکومت های سنی متوالی در شام، تأسیس و گسترش مدارس اهل سنت روند طبیعی بود که با از بین رفتن دولت های عربی شمال شام آغاز شده بود و با انقراض فاطمیان شدت یافت. از این رو بیان شنیطی در این باره دقیق می نماید:

«جنگ‌ها صرفاً حرکت تاریخ را تسریع می‌بخشند و جنگ‌های صلیبی نیز روند رکود و کاهش تشیع را در شرق و جنوب مدیترانه سرعت بخشیدند و دو پدیده احیاء تسنن و رهبری ترکیه در جهان اسلام به کامل شدن و اتمام [این روند] به صورت انبوه و عمیق کمک کردند.» (شنقیطی، ۲۰۱۶: ۲۵)

این سخن با مصادیق تاریخی متعددی مبنی بر توسعه مذهبی تسنن در شام پیش و پس از ورود صلیبیان تأیید می‌شود. توسعه مدارس در عهد زنگیان و ایوبیان یکی از مصادیق بارز تغییر مذهب در این بازه زمانی است.<sup>۱</sup> امری که در دوره ممالیک در مصر، شام و به خصوص پس از فتح طرابلس و بنای شهر جدید ادامه یافت. علاوه بر توسعه مدارس سنی، گزارش‌ها معدودی از مقابله با امامیه در حلب موجود است. (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۹۳، ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۲/۴۷۵) اما مستندی از درگیری مذهبی میان امامیه و اهل سنت در دست نیست. بر این اساس می‌توان استنباط کرد که روند تدریجی جایگزینی مذهبی و وجود دشمن خطرناک صلیبی برای فریقین آن‌ها را از درگیری بازداشت. در کنار این روند تاریخی، گزارش واضح ابن بطوطه در انتهای این بازه زمانی، نتیجه روند تغییر مذهبی را مشخص می‌کند.

ابن بطوطه در مورد حلب می‌نویسد «قضات حلب چهارتن بودند از چهار، مذهب؛ یکی از آنان قاضی کمال‌الدین بن زملکانی شافعی بود که مردی بلندهمت و بزرگوار و کریم طبع و خوش خوی بود و در رشته‌های مختلف علوم دست داشت. الملک الناصر از او دعوت کرد که سمت قاضی القضاة پایتخت را برعهده گیرد ولی این امر صورت نگرفت زیرا قاضی طی راه در بلبیس وفات یافت و به مصر نرسید. هنگامی که کمال‌الدین مزبور به منصب قضاوت حلب برقرار شد شعرای دمشق و سائر جاها رو به سوی او آوردند...» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

توصیفات ابن بطوطه از حلب مملو از اطلاعاتی است که صراحتاً دلالت بر سنی شدن این شهر دارد درحالی‌که از شیعیان در این شهر اصلاً سخنی به میان نمی‌آورد درحالی‌که این شهر زمانی مرکز امامیه بود. همین امر با صراحت کمتری در مورد طرابلس صادق است. وی اشاره می‌کند که از جانب سلطان مصر قضات و امرایی در این شهر ساکن هستند اما به مدارس اشاره نمی‌کند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۰۳) در منابع دیگر به کثرت به مدارس اهل سنت طرابلس اشاره شده است. (ر.ک. تدمری، ۱۹۷۴: ۲۴۴ به بعد)

طرابلس مدت ۱۸۰ سال در دست صلیبیان بود و انقطاعی تاریخی در روند علمی شهر از دوره امامیان بنی عمار تا ممالیک سنی پدید آورد. درحالی‌که شهر صور با وجود اینکه در دست صلیبیان بود پس از

۱. برای اطلاع بیشتر از مدارس شام و روند تاریخی گسترش آن ر.ک. نعیمی، ۱۴۱۰، جلد اول و دوم



فتح مجدد به دست مسلمانان شیعیان در آن جمعیتی قابل توجه را تشکیل می دادند. (بطوطه، ۱۳۷۶: ۹۹) از آنجایی که در ویرانی و ساخت مجدد طرابلس قصدیتی از سوی سلاطین سنی مصر وجود داشت، قاعدتاً ویرانی آن به دست ممالیک و اسکان جمعیت در آن انقطاعی دیگر در روند علمی شیعیان در این شهر بود. اما در نگاه کلی تر، شهر جدید حرکت علمی اسلامی خود را حفظ نمود که در تأسیس مدارس مشخص است. لازمه این مدارس وجود منابع مالی کافی برای تأمین مخارج آنها بود. از این رو باید پیش از تأسیس مدارس به بنای مجدد این شهر اهتمام ورزیده می شد.

### امتداد تمدنی طرابلس پس از بازپس گیری از صلیبیان

چندان که بیان شد تأمین امنیت طرابلس از سوی خشکی به وسیله قلاعی بود که در اطراف آن ساخته شده بود. حضور فرقه نظامی شوالیه معبد و میهمان نواز در حصن الاکراد، جبیل و انطاکیه مهم ترین عامل تأمین امنیت برای طرابلس بود. سلطان بزرگ مصر، الملک الظاهر بیبرس نخست انطاکیه را تصرف نمود، (ابو الیمن علیمی، ۱۴۲۰: ۱۵۳/۲) سپس قلعه حصن الاکراد را تصرف کرد (تغری بردی، بی تا: ۱۵۱/۷) فتح قلعه ابن عکار راه را برای فتح طرابلس باز کرد. (مقریزی، ۱۹۹۷: ۷۰/۲. تغری بردی، بی تا: ۱۵۲/۷) هرچند وی موفق به فتح این شهر نشد اما دومین کنت نشین صلیبی - انطاکیه - را تصرف کرد. خلع سلاح قلاع پیرامون طرابلس این امکان را برای سلطان بعدی مصر فراهم کرد که بتواند این شهر را فتح نماید. سیف الدین قلاوون پس از برکناری فرزند بیبرس همان سیاست ملک الظاهر را در پیش گرفته و پیش از حمله به طرابلس قلعه مرقب را که مرکز استباریه (هاسپیتالر، شوالیه های میهمان نواز) بود را فتح کرد. (ابو الفداء، بی تا: ۲۱/۴) قرارداد صلح با حاکم صور این امکان را برای او فراهم کرد که بتواند با خیالی راحت به طرابلس حمله برد. وی در سال ۶۸۸ فراخوانی صادر کرده و تمام نیروهای خود را از شام و مصرفراخواند و به طرابلس حمله کرد. (ابن آیبک دواداری، ۱۹۷۱: ۲۸۳/۸) از آنجایی که شهر از همه طرف به جز باریکه ای با دریا احاطه شده بود (ابو الفداء، بی تا: ۲۳/۴) تصرف این شهر برای سیف الدین به دشواری میسر شد. سرانجام مسلمانان در سال ۶۸۸ این شهر را به شمشیر فتح کردند. جمعیتی زیاد از این شهر کشته شد. برخی خود را به آب انداخته و غرق شدند. برخی دیگر با قایق و کشتی خود را نجات دادند. مردان شهر اسیر شده و زنان و فرزندانشان اسیر شدند. نیروی دریایی مسلمانان افرادی را که به جزیره ای نزدیک فرار کرده بودند کشتار و اسیر کردند. (ابو الفداء، بی تا: ۲۳/۴) سپس سلطان دستور ویران کردن شهر را داد. این امر ناشی از آن بود که امنیت جغرافیایی این شهر در

سایه ارتباط با دریا و باریکی مسیر خشکی، احتمال فتح مجدد به دست صلیبیان را زیاد می‌کرد. کمی بعد از ویرانی طرابلس قلاوون دستور بنای شهر جدید طرابلس را کمی دورتر از دریا صادر کرد. هرچند مسلمانان شهر را ویران کرده و آثار باستانی آن از دوره فنیقی از میان رفت؛ اما موقعیت جغرافیایی طرابلس و مزیت کشاورزی و تجاری آن سبب استمرار تمدنی آن شد. ابن بطوطه کمتر از یک قرن بعد از ویرانی شهر قدیم از طرابلس جدید دیدن کرد. اولین نکته‌ای که سفرنامه نویس پلمسانی از آن یاد می‌کند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۰۳) این یعنی شهر جدید در مدت نسبتاً کوتاهی روندی از افزایش جمعیت را طی کرد که امکان تخصصی شدن کارها در آن به وجود آمد. دومین نکته‌ای که ابن بطوطه به آن اشاره دارد، منابع آبی کافی برای کشاورز و ذخایر دریایی است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۰۳) طرابلس برخلاف عکا و یا صور از مساحت آبرفتی کوهپایه‌ای برخوردار بود که غذای جمعیت شهر را تأمین می‌کرد. دستاوردهای تمدنی- مادی شهر مانند گرمابه‌ها و ساختار اداری دقیق در گزارش ابن بطوطه مشهود است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۰۳) سواحل عمیق طرابلس جایگاهی مناسب برای توقف کشتی‌ها پدید آورده بود و این امر در ازسرگیری فعالیت تجاری آن نقش فعالی داشت. بدین ترتیب دو مسئله تأمین موارد غذایی و نقدینگی حاصل از تجارت که مزیت جغرافیایی این شهر بود سبب شد تا پس از جنگ‌های صلیبی نیز روند تمدنی طرابلس منقطع نشود.

باید توجه داشت که ابن بطوطه زمانی از شام بازدید کرده که طرابلس توسط مسلمانان فتح، ویران و مجدداً بازسازی شد. در گزارش ابن بطوطه تعداد مدارس اهل سنت در طرابلس قابل توجه است. این همگام با توسعه مدارس سنی در مصر در دوره مملوکی و ادامه ساخت مدارس اهل سنت در شام از زمان سلجوقیان همچنان ادامه داشت. آنچه در این روند تاریخی مشهود است، انقطاع تاریخی شیعی از روند علمی طرابلس است. درعین حال این گزارش نشانگر امتداد تمدنی طرابلس در دوره ممالیک است. مورخان دوره مملوکی مانند ابن حجر عسقلانی، نویری و ابن فضل‌الله العمری به عمران و آبادانی طرابلس در دوره ممالیک و بر اساس مشاهدات خود تصریح کرده‌اند. (ر.ک. ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۳: ۴۱۴/۱. نویری، ۱۴۲۳: ۵۷/۳۱ به بعد، ابن فضل‌الله العمری، ۱۴۲۳: ۵۳۹/۳) مهم‌ترین نکته تمدنی در ورای بنای مساجد، خانقاه‌ها، حمام‌ها، بیمارستان‌ها، بازارها و مدارس، افزایش سریع جمعیت این شهر پس از ویرانی است. بخش زیادی از این افزایش سریع جمعیت ناشی از استقرار گروه‌های نظامی در شهر برای جلوگیری از تسخیر مجدد آن بود. با این توسعه سریع تمدنی، مدارس دینی اهل سنت در کنار مراکز اهل تصوف رشد سریعی داشت. از اولین مدارسی که در طرابلس ساخته

شد، مدرسه الزریقیه بود که توسط عزالدین آیبک موصلی در سال ۶۹۷ بنا شد. (تدمری ۱۹۷۴: ۳۴) پس از آن مدرسه شافعیه و ماردانی در سال ۷۰۷، (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۳: ۱۲۱/۱) مدرسه قرطایویه در سال ۷۲۶، مدرسه شمسیه در سال ۷۴۹، مدرسه سقریه در سال ۷۶۰، مدرسه عجمیه در سال ۷۶۶، مدرسه خاتونیه در ۷۷۵، مدرسه و زاویه ارغون شاه در سال‌های ۷۹۶-۸۰۰، مدرسه ظاهریه در سال ۷۹۹ بنا شدند. (ر.ک. مفرج، بی تا: ۱۴۷/۱۵. تدمری، ۱۹۷۴: ۳۷-۴۱) این روند توسعه مدارس در طرابلس تا سال‌های بعد نیز ادامه داشت. در کنار مدارس زوایایی به مدارس نیز متصل می‌شد مانند زاویه‌ای که به مدرسه الزریقیه در سال ۷۳۸ الحاق شد. (تدمری، ۱۹۷۴: ۴۰) طبیعتاً در این مدارس علما و استادانی نیز حضور داشتند که می‌توان از ابتدای بازسازی شاهد آن بود. تحرکی علمی که افرادی مانند اسندمر در شام ایجاد کردند تا حد زیادی با تکیه بر ظرفیت‌های طرابلس بود.. (ر.ک. ابن شاکر الکتبی، ۱۹۷۴: ۱۵/۴. ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۳: ۴۱۴/۱)

### نتیجه‌گیری

جنگ‌های صلیبی در چند نوبت مسیر تاریخی طرابلس را تغییر داد که مهم‌ترین آن انقطاع تاریخی مرکز علمی و تمدنی شیعیان امامیه در این شهر بود. این شهر زمانی به دست صلیبیان افتاد که بزرگ‌ترین مرکز علمی و یکی از مراکز مهم تمدنی در شام بود. شیعیان طرابلس پیش از بنی‌عمار در این شهر توسعه تمدنی زیادی را رقم زده بودند. با به قدرت رسیدن بنی‌عمار امامی مذهب این روند تمدنی و علمی در طرابلس به اوج خود رسید. تصرف شهر به دست صلیبیان با کشتار وسیعی از مردم شهر همراه بود. مابقی مردم شهر به دمشق رفته و بدین ترتیب جامعه و کنشگرانی که روند علمی این شهر را رقم زده بودند به یک‌باره در این شهر از میان رفتند. شهری که صلیبیان تصرف کرده بودند عاری از دانشمندان و دانش‌دوستان دوره بنی‌عمار بود اما جغرافیای آن تغییر نکرده بود. از این رو کشاورزی و نقدینگی ناشی از تجارت دوباره باعث رشد شهری-تمدنی طرابلس شدند. تجار فعال ایتالیایی در این رشد مجدد شهری تأثیر زیادی داشتند. همکاری‌های اقتصادی تجار مسلمان منفعتی دوطرفه بود و این سرزمین را مملو از ثروت تجاری کرد. از این رو هنگامی سلطان مصر پس از ۱۸۰ سال قمری طرابلس را بازپس گرفت، غنائم زیادی از این شهر به دست آورد. ترس ممالیک از صلیبیانی که از دریا حمله می‌کردند تا شهر قدیمی طرابلس را ویران کرده و به سرعت شهری جدید را کمی دورتر از دریا بنا نهند. بدین ترتیب طرابلس بار دیگر به دست مسلمانان انقطاعی تاریخی را تجربه کرد اما ویژگی جغرافیایی آن سبب شد تا

بار دیگر تمدن این شهر شکوفا شود اما انقطاع خود را در روند علمی و مذهبی شهر به‌وضوح نشان داد. هرچند کوهستان‌های لبنان استمرار تمدنی خود را در مذهب شیعه و دستاوردهای آن را حفظ کرد. اما طرابلس همچون روند تاریخی مناطق شرق کوه‌های شام سنی شد و دستاوردهای علمی آن در مسیر مذاهب اهل سنت تغییر کرد. دیگر از دارالعلم طرابلس دوره بنی عمار خبری نبود و دیگر طرابلس پایگاهی برای شیعیان نبود. با این حال همگام با توسعه مراکز دینی و علمی در دوره مملوکی به‌عنوان جایگزین خلافت عباسی، طرابلس نیز به‌سرعت فعالیت دینی خود را بازیافت اما در قالب مذهب اهل سنت. در مجموع می‌توان گفت، جغرافیای طرابلس در فراز و فرود تاریخی توانست بر انقطاع فائق آمده و روند تمدنی را برای این شهر مستدام بدارد. اما ویرانی‌ها و کشتارهایی که در این شهر در جنگ‌های صلیبی رخ داد، مسیر علمی شهر را از مرکزی شیعی به مرکزی علمی و تمدنی برای اهل سنت دستخوش تغییر کرد.

### منابع

- ابن اثیر جرزی، علی بن محمد بن محمد (۱۳۷۱). کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، مترجم ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اثیر جرزی، علی بن محمد بن محمد (۱۹۶۵). الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ابن أبیک الدواداری، أبو بکر بن عبد الله (۱۹۷۱). کنز الدرر وجامع الغرر، محققان بیرند راتکه و دیگران، بی‌جا، ناشر عیسی البابی الحلبي.
- ابن بطوطه (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه، مترجم محمد علی موحد، تهران، آگاه.
- ابن تغری بردی، یوسف (بی‌تا). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، مصر، وزارة الثقافة والإرشاد القومي، دار الکتب.
- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۳۷۰). سفرنامه ابن جبیر، مترجم پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علي (۱۹۹۳). الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، محمد سید جاد الحق، بیروت، دار الجیل.
- ابن شاکر الکتبی، محمد بن شاکر (۱۹۷۴). فوات الوفيات، محقق: إحسان عباس، بیروت دار صادر.
- ابن عبد الظاهر، عبد الله بن عبد الظاهر (۱۹۶۱). تشریف الأيام والعصور فی سیرة الملك فی المنصور و تتناول الحقبة ما بین سنتی ۶۷۸ هـ - ۶۸۹ هـ مصحح: مراد کامل، قاهره، بی‌نا.
- ابن عدیم، عمر بن احمد (۱۴۲۵). زبدة الحلب من تاریخ حلب، سهیل زکار، دمشق دار الکتب العربی.

ابن فضل الله العمري، أحمد بن يحيى (۱۴۲۳). مسالك الأبصار في ممالك الأمصار، أبو ظبي، المجمع الثقافي.

ابن قلانسي، حمزه بن اسد (۱۹۸۵). تاريخ دمشق لابن القلانسي/ تحقيق سهيل زكار، دمشق، دار حسان للطباعة والنشر.

ابو الفداء، اسماعيل بن علي (۲۰۰۷). تقويم البلدان، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.

أبو الفداء، عماد الدين إسماعيل (بي تا). المختصر في أخبار البشر، قاهره، المطبعة الحسينية المصرية.

ابو اليمن عليمي، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۲۰). الأئس الجليل بتاريخ القدس و الخليل، مصحح: عدنان يونس عبدالمجيد ابو تباة و محمود عوده كعابته، عمان - الخليل، مكتبة دنيس - مكتبة دنيس.

اشترى تفرشي، عليرضا، گوديني، مهري (۱۴۰۲). «تحليل پديده گسترش مدارس در دمشق و حلب با تأكيد بر دوره زنگيان؛ بر مبنای نظريه سرمايه بورديو»، نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، ش ۱۵، صص ۳۳-۵۵.

امين، محسن (۱۴۰۳). أعيان الشيعة، بيروت، دار التعارف للمطبوعات.

باسورث، ادموند. (۱۳۸۱). سلسله های اسلامی جدید راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره-ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

بالار، ميشل (۱۳۹۲). پژوهش های نوین جنگ های صليبي (جلد ۳) جنگ های صليبي و شرق لاتيني، مترجم عبدالله ناصري طاهري، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بروسوي، محمد بن علي (۱۴۲۷). أوضح المسالك إلى معرفة البلدان و الممالك، مصحح مهدي عبدالرواضية، بيروت، دارالغرب الاسلامي.

تدمري، عمر عبدالسلام (۱۹۷۳). الحياه الثقافيه في طرابلس الشام خلال العصور الوسطى، بيروت، دارالفلستين للتأليف والترجمه.

تدمري، عمر عبدالسلام (۱۹۷۴). تاريخ و آثار مساجد و مدارس طرابلس في عصر المماليك من الفتح المنصوري حتى الآن، طرابلس، دار البلاد.

حماده، محمد (بي تا). تاريخ الشيعة (في لبنان و سوريا و الجزيرة في القرون الوسطى)، مترجم جعفر المهاجر، بعلبك، داربهاء الدين العالمي.

حموي بغدادی، ياقوت (۱۳۸۰). معجم البلدان، ترجمه علينقی منزوی، تهران، سازمان ميراث فرهنگي کشور.

حموي بغدادی، ياقوت (۱۹۹۵). معجم البلدان، بيروت، دار الصادر.

خاكرند شكرالله، محمدی قناتغستاني مهدي (۱۳۹۵). «بررسی آماری رابطه بين تعدد واحدهای قدرت شامات و ثبات سياسی در منطقه از سال ۴۷۱ تا ۵۶۹ ق». پژوهشنامه تاريخ اسلام، ش ۲۱.

ذهبي، محمد بن احمد (۱۴۰۶). الأمصار ذوات الآثار، بيروت، دار البشائر.

رهدار، احمد و بابایی، حبیب‌الله و خراسانی، رضا و کرمی قه‌ی، محمدتقی (۱۳۸۸). جستارهای نظری در باب تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ریلی اسمیت، جانانان (۱۳۹۲). پژوهش‌های نوین جنگ‌های صلیبی؛ مسیحیت و اسلام، ج ۷، مترجم عبدالله ناصری طاهری، نسرين عليزاده، شبرخ رضایی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

زمانی محجوب، حبیب و بادکوبه هزاوه، احمد (پاییز ۱۳۹۱). «بررسی وضعیت شیعیان در حلب عهد بني مرداس»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۴، ش ۱۴ صص ۹۳ تا ۱۱۰.

شجاعی، هادی (بهار و تابستان ۱۳۹۵). «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در آفرینش تمدن نوین اسلامی»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۴۰ صص ۷۱ تا ۱۰۰.

شقیطی، محمد بن مختار، (۲۰۱۶). الحروب الصليبية على العلاقات السنية الشيعية، بیروت، شبکه العربیه للابحاث والنشر.

طرابلسی، علی ابراهیم (۲۰۰۷). التشيع في طرابلس و بلاد الشام، بیروت: دار الساقی.

طرابلسی، علی ابراهیم، (۱۳۹۰). تشیع در طرابلس و شام با تکیه بر دولت بنی عمار مترجم: زهره ناعمی، تهران، نشر کتاب توت.

عبد العزیز سالم، السید (۱۹۶۳). طرابلس الشام تاریخها و آثارها في العصر الإسلامي، اسکندریه، جامعه الاسکندریه.

علی محمود، علی السید (۱۹۹۶). العلاقات الاقتصادية بين المسلمين و الصليبيين، قاهره، عین الدراسات و البحوث.

فروزانی، ابوالقاسم و مودت لیدا، (بهار ۱۳۹۳). «تحلیلی بر مناسبات سیاسی حکومت بنی عمار با سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، س ۶، ش ۲۰، صص ۷۹ تا ۹۸.

فروزانی، ابوالقاسم و مودت لیدا، (تابستان ۱۳۹۳). «بررسی نقش دارالعلم طرابلس در پویایی مذهب تشیع در عهد بنی عمار»، شیعه شناسی، ش ۴۶، صص ۷ تا ۲۴.

قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۹۹۸). آثار البلاد و اخبار العباد، قزوینی، بیروت، دار صادر.

قلعة المرقب ودورها العسكري في عصر الحروب الصليبية م.د. مصعب حمادي نجم.

کاهن، کلود. (۱۳۹۲). شرق و غرب در روزگار جنگ‌های صلیبی، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم، حوزه و دانشگاه.

گانهسوف، فرانسوا. ل (۱۳۷۲). تاریخ روابط بین الملل در قرون وسطی، مترجم قاسم صنعوی، مشهد، آستان قدس رضوی.

مایر، هارد. ابر. (۱۳۷۱). جنگ‌های صلیبی، ترجمه عبدالحسین شاهکار، شیراز، دانشگاه شیراز.

محمدی، مهدی (۱۴۰۰). شیعیان امامی در جنگ‌های صلیبی با تأکید بر شمال شام، تهران، انتشارات دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت.

محمدی، مهدی (۱۴۰۱). «مقایسه تطبیقی رفتاری شهرهای حلب و دمشق در برابر اتابکان زنگی از سال ۴۸۸-۵۴۹ ق»، فصلنامه مطالعات تطبیقی تاریخ و فرهنگ اسلامی، س ۱، ش ۲.

مفرح، طونی (بی تا). موسوعة قری ومدن لبنان، بیروت، دار نوبلیس.

مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۱۶). اعجاز الحنفی بأخبار الائمة الفاطمیین الخلفا محقق: احمد، محمد حلمی، قاهره، جمهوری مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشتون الاسلامیة، لجنة احیاء التراث الاسلامی.

مقریزی، أحمد بن علي (۱۹۹۷). السلوك لمعرفة دول الملوك، محقق: محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الكتب العلمية.

منجم، إسحاق بن حسین، (۱۴۰۸). آكام المرجان في ذكر المدائن المشهورة في كل مكان، مصحح: فهمی سعد، بیروت، عالم الكتب.

مودت، لیدا، (سال دفاع ۱۳۹۳). بررسی مناسبات سیاسی و فرهنگی سلجوقیان با حکومت‌های شیعی در شام، استاد راهنما: سید ابوالقاسم فروزانی، دانشگاه شیراز.

المهاجر، جعفر (۱۴۱۳). التأسيس لتاريخ الشيعة في لبنان و سورية بيروت، دارالملاک.

ناصر خسرو، (۱۳۹۳). سفرنامه ناصر خسرو، مصحح محمود غنی زاده، تهران، اساطیر.

نعیمی، عبدالقادر بن محمد، (۱۴۱۰ ق). الدارس فی تاریخ المدارس، بیروت، دارالکتب العلمیه.

النویری، شهاب الدین (۱۴۲۳). نهاية الأرب في فنون الأدب، قاهره، دار الكتب والوثائق القومية.

نویری، أحمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۳). نهاية الأرب في فنون الأدب، قاهره، دار الكتب والوثائق القومية.

ولید الجلاذ، محمد (۱۹۸۴). القلاع ايام الحروب الصليبيه، دمشق، دارالفکر.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶). البلدان، مترجم محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Bairoch, Paul (1988). Cities and Economic Development: From the Dawn of History to the Present. University of Chicago Press.

France. John, (2001). Western warfare in the age of the Crusades, 1000-1300, London, UCL Press.

Heidemann, S. (2001). Arab nomads and Seljuq military. Difference and Integration, 3(3), 201-219.

Mohamadi, M., Khakrand, S., & Tajik, A. (2023). Grounds of the Religious Convergence in Aleppo in the Early Crusades: The Role of Imami Judges. *Islamic Inquiries*, 2(1), 59-74.

Shanahan, Rodger(2005). *The Shi'a of Lebanon: Clans, Parties and Clerics*, I.B.Tauris & Company.